

فیلم و سینما



پرویز نوری
E-mail: parviznouri@hotmail.com

سینما در پاییز ۲۰۰۸

فیلم حاضر داشته باشد).

«قتل عادلانه» - Righteous Kill

پس از ۱۳ سال (از زمان «مخمس» به سال ۱۹۹۵) مجدداً رابرت دنیرو و آل پاچینو در برابر یکدیگر قرار می گیرند. آن ها دو پلیس نیویورکی اند که در جستجوی یک نوار سرخ سیاسی می خواهند آدم باهوشی را دستگیر کنند... پاچینو در مورد شخصیت محوله، می گوید: «آزوش این است که به خاطر حرفه اش بمیرد. به نوعی مثل یک بازیگر». فیلم را جان آونت ساخته که به دلیل موضوع و بازیگرهایش شانس موفقیت دارد.

اکتبر

«موزیکال دبیرستان ۳» - High School Musical 3

این محبوب های تین ایج آمریکایی که در حقیقت مافوق ستارگان بین المللی لقب گرفته اند، تا به امروز به وسیله ۴۵۵ میلیون انسان در سراسر دنیا دیده شده اند. شاید بتوان آن را یکی از معدود برنامه های موفق تلویزیونی قلمداد کرد که میلیاردها دلار به جیب صاحبان کمپانی دیزنی ریخته است. باردیگر بسکتبالیست مدرسه «تروی بوتون» (با بازی زاک افران) به همراه همشامردی اش «گابریلا موتز» (با بازی ونسا هاجینز) شادی ها را از صحنه تلویزیون به روی پرده سینما می کشانند. کارگردان فیلم کنی اورتگا درباره آن می گوید: «اساس داستان این بار به بلوغ رسیدن است. شما بچه های موزیکال دبیرستان را می بینید که رشد کرده و به کلاس بالاتر رفته اند».

«پیکره دروغ ها» - Body of Lies

فیلم دلهره ای ریچل اسکات («گلادیاتور») و «گنگستر آمریکایی») به جنگ مضاعف- و یا شاید سه گانه- «سیا» علیه تروریسم می پردازد. راسل کرو در نقش جاسوسی بی رحم و به عینه گریه ای وحشی به بازی خطرناکی با لیوناردو دی کاپریو در قالب موشی ایده آلیست، بر می خیزد. اسکات می گوید: «فیلم من شباهتی به جیمزباند ندارد که مشتی آدم دور و برش می چرخد. بیش تر مایه ای مخفی و محرمانه دارد و به همین دلیل مرگبارتر است». کرو و دی کاپریو اولین بار در سال ۱۹۹۵ در فیلمی موسوم به «فرزها و مرده ها» با یکدیگر همکاری کردند و در آن زمان دی کاپریو بچه ای بیش نبود. گلشیفته فراهانی در فیلم اسکات به نقش یک پرستار ظاهر می گردد.

«بچه عوضی» - Changeling

قصه غم انگیز و ناخوشایند این درام ساخته کلینت ایست وود به ماجرای یک کارمند شرکت تلفن در دوران دهه ۱۹۲۰ اشاره دارد که پسرش به طور ناگهانی ناپدید شده است. نقش این کارمند را آنجلینا جولی بازی می کند و جان مالکوویچ هم در قالب یک پیشوای روحانی محلی بر پرده می آید. فیلم به روال همیشه ایست وود با هزینه اندک و در زمان کوتاهی ساخته شده است.

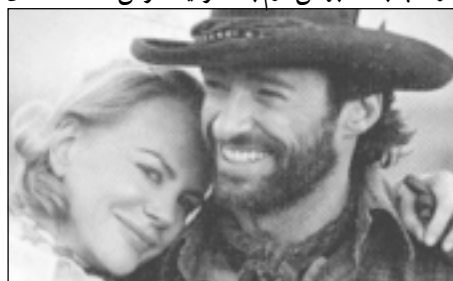
«دبلیو» - W.

یک اثر هزل آمیز؟ یا یک درام سیاسی؟ و یا تکه ای از تاریخ؟ هرچه می خواهید می توانید آن را بنامید اما این زندگینامه جرج دبلیو. بوش اولین کار آلبر استون (سازنده «جی اف کی») و «نیکسن») در مورد رئیس جمهوری است که هنوز بر سر کار است... استون گفته است: «فیلم من داستان زندگی مردی است که شما تصور می کنید او را می شناسید ولی باید بگویم نمی شناسید». بوش کیست؟ چرا او را دوبار انتخاب کردند؟ جاش برولین، نقش بوش و الیزابت بنکس بانوی اول را بازی می کنند.

نوامبر

«استرالیا» - Australia

درباره این حماسه استرالیا، بازلورمن (خالق «مولن روژ») می گوید: «ساخت این فیلم مانند ساخت فیلمی در ماه است. حماسه در معنا یعنی عظیم و فیلم من در واقع تجربه ای حماسی بود... نیکول کیدمن یک اریستوکرات انگلیسی است که در شب جنگ جهانی دوم به استرالیا سفر می کند تا گله ای



متعلق به شوهرش را بفروشد و در آن جا عاشق یک کابوی (هیوجکمن) می شود. کیدمن در خصوص لورمن گفته است: «به او اعتقاد دارم خصوصاً دیدگاه تصویری اش، و بنابراین هر نقشی پیشنهاد دهد بازی می کنم».

گزارش من از «شصت و پنجمین دوره جشنواره بین المللی فیلم ونیز-ایتالیا»

در «ونیز» اتفاق افتاد...

«ونیز» شهر شگفت انگیزی است. شهری است که نظیرش را هیچ جای دیگر دنیا نمی توان یافت. من حدود ۴۰ سال پیش از این برای اولین بار دیده بودمش و برابم همان موقع ثابت شد که نه عکس و نه فیلم و نه هیچ چیز دیگری نمی تواند حس و حال و آتمسفر این شهر اثری را به آدم منتقل سازد مگر آن که در خود آنجا باشید. در خود آن مکان و میان کانال های آب و خانه های چوبی فرو رفته در آب و قایق هایی که حکم ماشین برای صاحبان خانه دارند و جلوی در به تیرک چوبی بسته شده اند. یا در ایستگاه ها، قایق های کوچک و بزرگ به مثابه تاکسی و اتوبوس ایستاده اند. این بار هم مثل بار اول، هم جنان سحر و جادویم کرد. نشستم توی قایق تاکسی و نگاه کردم به عمارات سنگی عتیقه ای که دور و برم را در دور دست احاطه کرده بودند. و فکر کردم همچو شهری میان آب جایی پیدا می شود؟

۲

جشنواره «ونیز» - که آن وقت ها بهش می گفتیم «فستیوال ونیز» - امسال ۶۵ ساله شد. صحبت بود که این آخرین دوره، از دوره های زیاد خویش نیست لیکن بسیاری معتقد بودند و هستند که ونیز ۲۰۰۸ اثبات توفیق ریاست مارکو مولر بر این جشنواره است. برای این منتقد قدیمی که در واپسین روزهای سال ۲۰۰۷ مجدداً برای چهار سال بعدی هم انتخاب شد، شاید موفقیتی مغتنم باشد زیرا جشنواره ونیز طی سالها دوران بحرانی و نابسامانی را گذراند و حتی با موانع و دخالت های حکومت سیلیویو برلسکونی نزدیک به از هم پاشی بود. در مدت پانزده سال بیش از پنج مدیر عوض کرد و هم سلف مولر یعنی موریتس دهادلن پس از دو سال ریاست و بعد از مدیر قبلی آلبرتو باربرا تحت فشار مسئولان برلسکونی در وزارت فرهنگ ایتالیا به ناچار برکنار شد. اما با حمایتی که از مولر به عمل آمد- و خصوصاً موقعیت چشم گیری که اصولاً در فضای سینما و هنر دارد- آیا انتخاب بجایی است؟ هنوز البته پاسخ قطعی نمی شود به این پرسش داد و با وجودی که طی این یکی دو سال جشنواره ونیز سری در سرها در آورده، باز مشکل بتوان گفت توانسته نه حتی با «کن» بل با «تورنتو» و یا «برلین» رقابتی تنگاتنگ داشته باشد. و آیا به طور کلی سیاست گزارانی که در پشت جشنواره سرنوشت آن را در کنترل خود دارند خواهند گذاشت این مدیر ۵۵ ساله باردیگر قدرت دوران گذشته را به این جشنواره بازگرداند؟ و آیا غرش شیر طلایی دوباره بر سرتاسر جهان طنین خواهد افکند؟

۳

همه این «آیاها» بستگی به همت مولر دارد. او که در حقیقت تاریخ دان است و از چین دکترا گرفته، قاعدتاً می داند چگونه باید با مسایل و گرفتاری های سیاسی حاکم بر جشنواره- و اصولاً هر جشنواره ای روبرو شود. اما بزرگ ترین مشکل او با سه جشنواره با اعتباری است که با فاصله کمی از جشنواره ونیز برگزار می شوند. جشنواره های بین المللی تورنتو، نیویورک و تلوارید. با این همه می گویند مولر می تواند فیلم های خاص را پیدا کند و به جشنواره آورد. فیلم هایی

«جاده» - The Road

وقتی در سال ۲۰۰۶ رمان کورماک مک کارتی «جاده» انتشار یافت، اکثر هالیوودی ها به دنبالش بودند اما جان هیلکوت (کارگردان «پیشهاد») ز رنگ تر از دیگران بود و بلافاصله امتیاز آن را از نویسنده گرفت. می گوید: «جاده»، یکی از سه کتاب دلخواه منست و بیش از هر کتابی روی من اثر گذاشته است... ویگو مورتسن نقش پدری رثوف و فرسوده را دارد که به همراه پسرش (با بازی کودی اسمیت مک فی) سفری دور و دراز را در سرتاسر سرزمین متروک آمریکا، طی می کنند. آیا چنین قصه ای تاریک و غمناک به درد فیلم می خورد؟ مورتسن می گوید: «قصه احساسی رابطه پدر و پسر است و همچون خود کتاب بر مخاطب تأثیر برجوا خواهد گذارد».

«اندکی آرامش» - Quantum of Solace

عنوان عجیب فیلم جدید جیمز باند بر می گردد به داستان کوتاهی که ایان فلمینگ نگاشته و در حقیقت در آن داستان «کوانتوم» نام تشکیلاتی است که جیمز باند به مبارزه علیه اش برخاسته است. دانیل کریگ- که با «کازینو رویال» درخشید- در این مورد می گوید: «دنیا مأمور ۰۰۷ در این فیلم واقعاً وحشتناک است و هرچه در دور و برش می گذرد وارونه به نظر می رسد». مارک فارستر («بادبادک باز») فیلم را کارگردانی کرده است.

دسامبر

«راه انقلابی» - Revolutionary Road

پس از «تایتانیک» یک بار دیگر لیوناردو دی کاپریو و کیت وینزلت حکایتی عاشقانه و تلخ را تکرار می کنند. سم مندس (کارگردانی که بابت فیلم «زیبای آمریکایی» در سال ۱۹۹۹ اسکار گرفت) درباره فیلم جدیدش می گوید: «این فیلم قصه عشقی دقیق تر و ظریف تر از تایتانیک است درباره دو موجودی در سنین ۳۰ سالگی که به خودشان می گویند این نبود آنچه ما می خواستیم». مهندس قصه خود را از رمان ۱۹۶۱ ریچارد پتیز برداشت کرده و فیلمنامه اش را جاستین هایت نگاشته است.

«شک» - Doubt

این نمایشنامه برنده جایزه «تونی» اثر جان پاتریک شانلی، به ماجرای غریب در مدرسه کاتولیک برانکس در سال ۱۹۶۴ می گذرد. شخصیت اصلی آن «خواهر آلویسیوس» (با بازی مریل استرپ) مدیره مدرسه است که یک کشیش (با بازی فیلیپ سیمور هافمن) را به تجاوز به پسر ۱۲ ساله متهم می

غیرمتعارف، تجربی و حتی خطیر و چالش برانگیز که نمی توان در جشنواره ای دیگر پیدا کرد (او «کوهستان بروکبک» را در سال ۲۰۰۵ و اولین ساخته گیلرمو آریاگا «دشت سوزان» را



امسال به نمایش گذارد). در عین حال خطاهای مولر را هم در طول ریاست جشنواره نباید فراموش کرد. در سال ۲۰۰۴ ال پاچینو که برای فیلم «تاجر ونیزی» به جشنواره آمده بود، بدون صندلی ماند. یا بسیاری از دعوت شدگان که به خاطر تأخیر در نمایش فیلم «پیدا کردن ناکجا آباد» جای نشستن نیافتند.

۴

به هر رو، جشنواره ۶۵ به نظرم تقریباً بی فیلم و از بابت آثار جنجالی و غیر معمول بدون سر و صدا بود. یکی از تهیه کنندگان ایتالیایی در جایی گفته بود: «معلوم نیست جشنواره ونیز چه روالی را دنبال می کند. در واقع مخلوطی از انواع احساس ها و تم هاست». گفته می شود این جشنواره نه یک بازار فیلم، نه یک محل برای نمایش آثار جدید و نه موقعیتی به لحاظ ارائه تکنیک های نوین است. شاید بشود گفت فقط شانسی همچنان برای خودنمایی چند چهره محبوب از نوع سیستم ستاره ای قدیم هالیوودی به حساب می آید. بسیاری معتقد بودند که مولر با توجه به تجربیات گذشته می توانست بهتر عمل کند و فیلم های با ارزش تری را جمع آوری سازد. اما نباید از یاد برد که غیبت فیلم های بزرگ استودیویی در جشنواره امسال نتیجه تأخیر در فیلمسازی به خاطر اعتصاب نویسندگان و بازیگران سینما بود و به همین جهت مولر را وادار کرد علیرغم توجه و محبت همیشگی اش به فیلم آمریکایی، به فیلم های بین المللی رو آورد.

۵

از آمریکا و از سینمای حرفه ای چهار فیلم به مسابقه آمد: «دشت سوزان» (The Burning Plain) از گیلرمو آریاگا، «ریچل عروسی می کند» (Rachel Getting Married) از دارن جاناتان دمی، «کشکی گیر» (The Wrestler) از دارن آرنوفسکی و «The Hurt Locker» از کترین بیگلر. و یک فیلم از سینمای مستقل: «وگاس»، براساس یک داستان واقعی» اثر امیر نادری. چهار فیلم اول را ندیده ام.

دنباله مطلب در صفحه ۴۴

سازد. این پسر، تنها شاگرد سیاهپوست مدرسه است اما «خواهر آلویسیوس» هیچ مدرکی دال بر محکومیت و اتهام به آن کشیش ندارد... فیلم را خود جان پاتریک شانلی کارگردانی کرده و در صحبت است که مریل استرپ برای پانزدهمین بار در آن نامزد اسکار شود.

«فر است/نیکسن» - Forst/Nixon

فیلم درباره زندگی رئیس جمهور سابق آمریکا نیست بل نگاهی طنز آلود به مصاحبه جنجالی دیوید فراست در تلویزیون به سال ۱۹۷۷ با ریچارد نیکسن است. مصاحبه ای که به مجرمیت نیکسن در ماجرای «واترگیت» انجامید. این مصاحبه توسط پیتر مورگان به قالب پسر در آمد و در لندن به سال ۲۰۰۶ توفیق زیاد یافت. از همان زمان بسیاری کارگردانان سراغ آن رفتند. از جمله سرمهندس، مایک نیکولز و مارتین اسکورسیسی اما در حقیقت برنده اصلی ران هاوارد («رمز داوینچی») بود. بازیگران آن فرانک لانگلا و مایکل شین هستند.

«هری پاتر و شاهزاده ناتنی» -

Harry Potter and the Half-Blood Prince

فیلم ششم از سری «هری پاتر» نشان می دهد که چگونه این قهرمان کوچک قدم به سرزمین بلوغ می گذارد. این بار به دنبال حمله تروریست ها از سوی مرگ آفرینان («والدمورت»، «هری» می کوشد با کمک «دامبلدور» (مایکل گامبون) علیه پستی و رذالت «والدمورت» به پاخیزد. در این رمان پرفروش



جی. کی. رولینگ، دوست «هری» یعنی «هرمیون» (اما واتشن) در می باید که قلبش به «ران» (روبرت گرینت) تعلق دارد ولی مشکل این جاست که «ران» به دختر دیگری («لاندر» (جسی کیو) دل بسته است... نقش «هری پاتر» کماکان در دست دانیل رادکلیف است که اینک ۱۹ سال دارد. کارگردانی ششمین بخش را دیوید ییتس انجام داده که قبلاً با فیلم پنجم «فرقه فینیکس» در سال ۲۰۰۷ رقمی معادل ۹۳۸/۵ میلیون نصیب سازندگان آن کرده بود.